

The Position of Shiism in the Constitution from the Perspective of Ruhollah Khomeini and Seyyed Ali Khamenei¹

Abdolreza Rashed^{*}

Hadi Jamshidiyan^{**} **Mohammad Bagher Khorrashad**^{***}

(Received on: 2021-02-26; Accepted on: 2021-05-24)

Abstract

Regarding the position of religion in the political systems of the countries, there are generally three types of systems: 1. Non-religious political systems 2. Political systems based on the recognition of religion in legislation 3. Political systems with full recognition of religion in all the affairs of the country. The system of the Islamic Republic of Iran, as a Shiite state with a government based on Islamic values, is part of the second model; therefore, in this article, we try to examine the position of Shiism in the constitution and scrutinize the views of the two leaders of the Islamic Revolution of Iran, Ruhollah Khomeini and Seyyed Ali Khamenei. To achieve this goal, we use a descriptive-analytical method and library and digital resources. It seems that with the adoption of the Shiite religion in the constitution and the emphasis of religious and political leaders on the importance and position of Shiism, acceptable and justified results have been achieved in the following areas: domestic areas such as "unity in legislation and administration of the country", "ensuring the survival of the revolution and the independence of the system", "securing the rights of minorities", "strengthening the process of democratization, such as maintaining and strengthening mechanisms of political participation", "maintaining internal security" and external areas such as the unity of the Shiite world and the prevention of the implementation of divisive and hostile policies against the unity of the Islamic world.

Keywords: Shiism, Security, Unity, Islamic Values, Constitution, Iran.

1. This article is taken from: Abd al-Reza Rashed, "Presenting the Strategic Model of Shiite Social Networks Based on the National Security of the Islamic Republic of Iran", 2021, PhD Thesis, Supervisor: Seyyed Hasan Aghai (Firuzabadi), Higher National Defense University, Tehran, Iran.

* PhD Student in National Security Studies, Higher National Defense University, Tehran, Iran (Corresponding Author), rashed199@chmail.ir.

** Assistant Professor of National Security, Higher National Defense University, Tehran, Iran, jamshidian1341@gmail.ir.

*** Professor of Political Science, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran, mb.kharramshad@gmail.com.

پژوهش‌نامه امامیه

«مقاله پژوهشی»

سال هفتم، شماره چهاردهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، ص ۱۱۷-۱۳۷

جایگاه تشیع در قانون اساسی از منظر روح‌الله خمینی و سید علی خامنه‌ای^۱

عبدالرضا راشد*

هادی جمشیدیان** محمدباقر خرمشاد***

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۰۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۰۳]

چکیده

راجع به جایگاه دین و مذهب در نظام‌های سیاسی حاکم بر کشورها، به صورت کلی سه نوع نظام متصور است: ۱. نظام‌های سیاسی غیرمذهبی، ۲. نظام‌های سیاسی مبتنی بر رسمیت مذهب در قانون‌گذاری، ۳. نظام‌های سیاسی با رسمیت کامل دین و مذهب در تمام شؤون کشور. نظام جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشوری شیعی با حاکمیتی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی، جزء الگوی دوم محسوب می‌شود؛ لذا در این مقاله می‌کوشیم جایگاه تشیع در قانون اساسی و دیدگاه‌های دو رهبر انقلاب اسلامی ایران، روح‌الله خمینی و سید علی خامنه‌ای، را بکاوییم. برای رسیدن به این هدف از روش توصیفی تحلیلی و منابع کتاب‌خانه‌ای و دیجیتال کمک می‌گیریم. به نظر می‌رسد با تصویب مذهب تشیع در قانون اساسی و تأکید رهبران دینی و سیاسی بر اهمیت و جایگاه تشیع، نتایج پذیرفتنی و موجهی در این زمینه‌ها به دست آمده است: عرصه‌های داخلی نظیر «وحدت‌نظر در قانون‌گذاری و اداره مملکت»، «تضمین بقای انقلاب و استقلال نظام»، «تأمین حقوق اقلیت‌ها» و «تقویت و تحکیم فرآیند دموکراسی‌سازی، نظیر حفظ و تقویت سازوکارهای مشارکت سیاسی»، «حفظ امنیت داخلی کشور» و عرصه‌های خارجی نظیر وحدت جهان تشیع و جلوگیری از عملیاتی‌شدن سیاست‌های تفرقه‌آمیز و دشمنانه علیه وحدت جهان اسلام.

کلیدواژه‌ها: تشیع، امنیت، وحدت، ارزش‌های اسلامی، قانون اساسی، ایران.

۱. برگرفته از: راشد، عبدالرضا، ارائه الگوی راهبردی شبکه‌های اجتماعی شیعه بر اساس امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، رساله دکتری، استاد راهنما: سید حسن آقایی (فیروزآبادی)، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران، ۱۴۰۰.

* دانشجوی دکتری مطالعات امنیت ملی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
rashed199@chmail.ir

** استادیار امنیت ملی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران jamshidian1341@gmail.ir

*** استاد علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران mb.kharramshad@gmail.com

مقدمه

درباره جایگاه دین و مذهب در نظام‌های سیاسی حاکم بر کشورها، سه نوع نظام متصور است: ۱. نظام‌های سیاسی غیرمذهبی، ۲. نظام‌های سیاسی مبتنی بر رسمیت مذهب در قانون‌گذاری، ۳. نظام‌های سیاسی با رسمیت کامل دین و مذهب در تمام شئون کشور.

در نظام‌های سیاسی غیرمذهبی، دین و مذهب هیچ‌گونه نقش تعیین‌کننده‌ای در نظام سیاسی و حقوقی کشور ندارد و اصولاً نباید در حقوق افراد هیچ تمایزی ایجاد کند. در نظام‌های سیاسی مبتنی بر رسمیت مذهب در قانون‌گذاری، قانون‌گذاری باید به اصول و موازین مذهبی مقید باشد و شعائر مذهبی نیز باید رعایت شود. در این حالت، دین و مذهب در رابطه‌ای تنگاتنگ با دولت و الگوی تمام‌عیار و مسلطی است بر کلیه تشکیلات و قوای عالی و اداره امور کشور، از صدر تا ذیل. مشاغل کلیدی و حساس جامعه در اختیار مقام مذهبی قرار می‌گیرد و قوانین و مقررات منطبق با موازین مذهبی است. دسته دیگر از نظام‌های سیاسی وجود دارد که اساساً دین و مذهب را در تمام شئون کشور اعم از حقوقی، قضایی، سیاسی، اجتماعی، حاکم و مجری می‌داند. در این نظام‌ها، دین و مذهب اساس و پایه و علت وجودی تشکیل حکومت است که آن را اصطلاحاً «حکومت الاهی» می‌گویند (هاشمی، ۱۳۸۳: ۱۶۳).

نظام جمهوری اسلامی ایران نمونه بارز نوع دوم است؛ تعیین خصلت و ماهیت اسلامی حاکمیت در قانون اساسی، با اعلام اسلامی بودن انقلاب در مقدمه آن شروع می‌شود: «ماهیت انقلاب عظیم اسلامی [...] این خواست اساسی را مشخص کرده که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران بر اساس اصول و ضوابط اسلامی» باشد. «ویژگی بنیادی این انقلاب نسبت به دیگر نهضت‌های ایران در سده اخیر مکتبی و اسلامی بودن آن است» (فتحی و کوهی اصفهانی، ۱۳۹۷: ۷). «طرح حکومتی اسلامی بر پایه ولایت فقیه که در اوج خفقان و اختناق رژیم استبدادی از سوی امام خمینی (ره) ارائه شد انگیزه مشخص و منسجم نوینی را در مردم ایجاد نمود و راه اصیل مکتبی اسلام را گشود» (همان: ۱۰): راهی که سرانجام به تشکیل «نظام جمهوری اسلامی» منجر شد.

بنابراین، در مقاله حاضر می‌کوشیم نخست جایگاه تشیع در قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران را بررسی کنیم؛ در بخش دیگر هم به دیدگاه‌های روح‌الله خمینی و سید علی خامنه‌ای درباره تشیع و جایگاهش در انقلاب اسلامی می‌پردازیم.

اصولاً در پژوهش‌های توصیفی تحلیلی تلاش می‌شود وضع موجود پدیده، یا اتفاق خاصی

توصیف و بررسی شود. امروزه نتایج این پژوهش‌ها کمک شایانی به تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها در سطح ساختار سیاسی و جامعه دارد. به طور کلی، پژوهش‌های توصیفی به سه گروه تقسیم می‌شود:

الف. پژوهش توصیفی پنهان‌گر: این پژوهش‌ها ویژگی‌ها و صفات افراد جامعه را مطالعه می‌کنند.

ب. پژوهش توصیفی جزئی یا ژرفانگر: این نوع پژوهش‌ها عبارت‌اند از مطالعه یک نمونه یا یک واحد، و کاوشی عمیق درباره‌اش. در واقع، در این تحقیقات سعی می‌شود هر پدیده یا موضوع از جهات مختلف بررسی شود. در این پژوهش‌ها موضوعاتی نظیر سیر تکامل تاریخی، الگوها و مدل‌های حکومتی، ساخت اجتماعی، زبان و فرهنگ، آداب و رسوم و ارزش‌ها، نهاد‌های اجتماعی، نهاد‌های سیاسی، اعتقادات و ارزش‌ها، آداب و رسوم مذهبی و ... بررسی می‌شود.

ج. پژوهش توصیفی تحلیل محتوا: این نوع پژوهش در اصل، توصیف عینی و کیفی محتوای مفاهیم به صورت نظام‌مند است. می‌توان گفت این نوع پژوهش بیشتر بر روی متن‌های مکتوب، شفاهی و تصویری درباره موضوع خاص انجام می‌شود، نظیر کتاب‌ها، متن قانون اساسی، اسناد و آرشیوهای تاریخی، روزنامه‌ها، مقاله‌ها و ...

تمرکز پژوهش حاضر بر الگوی سوم است؛ کوشیده‌ایم با توجه به رویکرد قانون اساسی به ماهیت دینی مذهبی نظام جمهوری اسلامی ایران، و دیدگاه رهبران نظام انقلاب اسلامی ایران درباره اهمیتش، جایگاه تشیع را ارزیابی کنیم.

۱. جایگاه تشیع در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

نظام جمهوری اسلامی ایران به اقتضای تعیین اسلامی شیعی‌اش، یک مذهب رسمی دارد: «شیعه اثناعشری جعفری که الی‌الابد غیر قابل تغییر است»^۱ (همان: ۱۷). شاخص دیگر اسلامی شیعی نظام، پرچم رسمی آن است که «علامت مخصوص جمهوری اسلامی و شعار «الله اکبر» را بر خود حمل می‌کند» (همان: ۱۸). موظف کردن نمایندگان مجلس و رئیس‌جمهور به سوگند در برابر قرآن مجید و پاسداری از حریم اسلام و مذهب رسمی کشور و نگرهبانی از مبانی جمهوری اسلامی (همان: ۶۷ و ۱۲۱) از دیگر شاخص‌های تعیین خصلت اسلامی شیعی حکومت است.

همچنین، طبق اصل دوم قانون اساسی، جمهوری اسلامی نظامی است بر پایه ایمان به: ۱. خدای یکتا (لا اله الا الله) و اختصاص حاکمیت و تشریح به او و لزوم تسلیم در برابر امرش،

۲. وحی الاهی و نقش بنیادی‌اش در بیان قوانین، ۳. معاد و نقش سازنده‌اش در سیر تکاملی انسان به سوی خدا، ۴. عدل خدا در خلقت و تشریح، ۵. امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی‌اش در تداوم انقلاب اسلامی، ۶. کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیتش در برابر خدا از راه‌های:

الف. اجتهاد مستمر فقهای جامع‌الشرایط بر اساس کتاب و سنت معصومان (علیهم‌السلام)؛

ب. استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش در پیشبردشان (علیهم‌السلام)؛

ج. نفی هر گونه ستمگری و ستم‌کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، قسط و عدل و استقلال

سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی را تأمین می‌کند (قانون اساسی: ماده ۲).

اصل چهارم قانون اساسی هم اعلام می‌کند که «کلیه قوانین و مقررات [...] باید بر اساس موازین اسلامی باشد» و «این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر» (قانون اساسی: اصل ۴) نیز حاکم است. اصل ۷۲ وضع قوانینی را که با «اصول و احکام مذهب رسمی کشور» مغایرت داشته باشد، ممنوع می‌کند. اصل ۱۰۵، همین قید را که مجلس ملزم به رعایت آن است، بر شوراها نیز تعمیم می‌دهد. اصل ۱۷۱، قضات دادگاه‌ها را به خودداری از اجرای تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌هایی مکلف می‌کند که «مخالف با قوانین و مقررات اسلامی» باشد.

به طور کلی، آثار رسمیت دین اسلام و مذهب شیعه را از لحاظ حقوقی می‌توان در چهار حوزه مشاهده کرد: ۱. حوزه قوانین و مقررات که می‌توان مثلاً به اصول ۴، ۷۲ و ۱۷۰ اشاره کرد؛ ۲. حوزه قضایی که اصول ۶۱، ۱۶۳ و ۱۶۷ در این خصوص است و صفات قاضی بر اساس موازین اسلام و فقه شیعه تعیین شده است؛ ۳. حوزه امور سیاسی که می‌توان به اصل ۵ قانون اساسی اشاره کرد که ولایت امر و امامت امت را بر عهده فقیه عادل شیعه قرار می‌دهد. همچنین، اصل ۱۱۵ قانون اساسی یکی از شرایط رئیس‌جمهور را داشتن مذهب شیعه می‌داند. اصول ۱۵۷ و ۱۶۲ نیز رئیس قوه قضاییه و رئیس دیوان عالی کشور را فردی مجتهد، و به تعبیر دیگر، از میان رجال فقهی و مذهبی شیعه می‌داند؛ ۴. حوزه امور اجتماعی که می‌توان به اصل ۸ قانون اساسی اشاره کرد که بر مبنای آن جامعه اسلامی باید بر اساس موازین اسلامی و شیعی گسترش یابد (تقی‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۷).

از میان اصول مذکور، «اصل دوازدهم» قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مترقی‌ترین و دموکراتیک‌ترین اصل محسوب می‌شود؛ چراکه دیگر مذاهب اقلیت جامعه را شناسایی می‌کند و حقوقی را برای آنها به رسمیت می‌شناسد. در حقیقت، اصل دوازدهم قانون اساسی از سویی مکمل اصل چهارم قانون اساسی است که کلیه قوانین و مقررات را بر اساس موازین اسلامی

می‌داند و از طرف دیگر، از طریق شناسایی و رسمیت‌بخشیدن به دعاوی مذاهب چهارگانه اهل سنت، مکمل اصل یازده قانون اساسی نیز محسوب می‌شود (همان: ۱۱).

قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی قانون‌گذاری را به دو شیوه به شرع شیعی مقید می‌کند:

۱. از شرع مبنایی برای قانون‌گذاری می‌سازد؛

۲. از راه تعیین مرزهای قانون‌گذاری به وسیله «مبانی»، «اصول»، «ضوابط»، «موازین»، «مقررات»، «قوانین»، و «احکام» شرعی، به نحوی که قوه قانون‌گذار اجازه نداشته باشد مصوبه‌های مغایر با مقدمات و اصول و ارکان شرع شیعی را تصویب کند.

تأکید بر روش دوم، به این دلیل است که گرچه اسلام دین همه مسلمانان، اعم از شیعه و سنی، است اما هر یک از آنها پیرو مذهبی هستند و احکام، قوانین و مقررات خاصشان را دارند. اصولاً به هر دینی از دریچه مذهب نگاه می‌شود و بدون آن ممکن نیست. به احکام و قوانین اسلام هم از دریچه یکی از مذاهب پنج‌گانه نگریسته می‌شود. بالأخره باید ضوابط و احکام یک مذهب، محور قوانینی باشد که در مجلس تصویب می‌شود، و شورای نگهبان آن را بررسی می‌کند تا خلاف موازین اسلامی نباشد. اگر هیچ مذهبی رسمیت نداشته باشد یا همه رسمیت داشته باشند، در قانون‌گذاری تضادها و تناقض‌ها ظاهر می‌شود. مثلاً باید مشخص شود که نمایندگان ملت باید بر اساس کدام مذهب قانون وضع کنند یا معلوم شود شورای نگهبان باید بر اساس کدام مذهب مصوبات مجلس را بررسی کند.

عناصر شرعی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که هم در مقدمه و هم در بسیاری از اصولش مشهود است، در مجموع ویژگی‌هایی دارد:

• حکومتی که در نتیجه انقلاب به وجود آمده است، مانند خود انقلاب، اسلامی

به معنای شرعی شیعی آن است؛

• وظایف و اهداف جمهوری اسلامی بنا بر موازین شرع تعریف می‌شود؛

• رهبری حکومت بر عهده فقهای شیعی است و کارگزاران حکومتی باید شیعه

باشند؛

• تعیین قوانین و مقررات و مصوبات و آیین‌های اجرایی، به مغایرت‌نداشتن یا

انطباق‌داشتن با شرع شیعی مقید است؛

• حقوق دموکراتیک مردم و شهروندان، بر اساس حدودی بر مبنای شرع شیعی

تعیین می‌شود؛

جایگاه تشیع در قانون اساسی از منظر روح‌الله خمینی و سید علی خامنه‌ای / ۱۲۳

● ایجاد نهادهایی که مقرر می‌دارند وظیفه‌شان حفظ ماهیت و خصلت

اسلامی شرعی حکومت است.

در مجموع، می‌توان ادعا کرد که گرچه قید مذهب شیعه به عنوان مذهب رسمی کشور، ابتکار قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیست، چراکه اولاً مسئله رسمیت مذهب شیعه از دوران صفویان، تحت اراده رسمی حکومت بوده^۲ و ثانیاً به اصل رسمیت مذهب شیعه در قانون اساسی مشروطه نیز اشاره شده بود، اما اهمیت ذکر رسمیت مذهب شیعه در قانون اساسی جمهوری اسلامی نخست از آن‌رو است که ماهیت و هویت نظام سیاسی و نظام حقوقی ما با مذهب شیعه جعفری گره خورده است.

محققان و نویسندگان داخلی و خارجی که درباره انقلاب اسلامی ایران مطالعه‌ای بی‌طرفانه انجام داده‌اند، تقریباً اتفاق نظر دارند که عناصر مذهبی شیعی در جای‌جای انقلاب حضور و ظهور دارد. مثلاً، در کتاب تفسیر آفتاب آمده است:

تبلور قدرت رهبری دینی، حفظ پایگاه مقاومت مردمی، ایجاد تحول روحی در مردم و ابعاد اخلاقی انقلاب، استقرار حکومت انقلابی و شیعی و انسان‌مداری، فرآیند انقلابی اسلامی و مردمی را رقم زد. حکومت جمهوری اسلامی حکومتی مشابه حاکمیت خدا بر انسان در قالب حکومت معصوم است؛ در واقع، این انقلاب به تمام معنا اسلامی است و آن هم با روحیه ویژه فرهنگ تشیع (حکیمی، ۱۳۵۷: ۱۲۴).

سید صادق حقیقت می‌گوید: «این ایدئولوژی تشیع بود که فرجام انقلاب اسلامی را رقم زد» (حقیقت، ۱۳۷۷: ۳۲). حسن الزین لبنانی نیز می‌گوید: «مذهب در ایران، تشیع، علة‌العلل پیروزی انقلاب است» (حضرتی، ۱۳۸۳: ۳۶). مایکل فیشر هم معتقد است اسلام ایدئولوژی واحدی نیست، بلکه زبانی است که ایدئولوژی‌های مختلف می‌توانند به شیوه‌های متفاوتی از آن بهره‌گیرند. لذا روشن است که دیگر نباید انقلاب ایران را پدیده‌ای منفک از بقیه جهان اسلام دانست. ریشه‌های ایدئولوژی انقلاب را باید در فراسوی مرزهای ایران نیز جست. «شکل انقلاب اسلامی ایران و سرعت اجرایش مدیون سنت اعتراض مذهبی [شیعی] مردم بود» (مهرآیین و فاضلی، ۱۳۸۶: ۵).

افزون بر آن، قانون‌گذاران نظام جمهوری اسلامی کوشیدند بر اساس اصل دوازدهم، اتحاد مسلمانان و جلوگیری از تفرقه آنها و تعقیب هدف تقریب مذاهب اسلامی از طریق شناسایی و اعطای رسمیت منطقه‌ای و اعطای حقوق مذکور در این اصل به مذاهب چهارگانه اهل سنت، محقق شود.

همچنین، نظام یا ساختار قانون‌گذاری جمهوری اسلامی ایران یکی از عوامل مؤثر مهم در تقویت فرآیند دموکراسی‌سازی با نمودهایی همچون انتخاب ماهیت سیاسی دؤبئی اسلامیت‌جمهوریت، تعیین هویت مذهب واحد شیعی و تأکید بر رعایت حقوق دینی مذهبی دیگر مذاهب اسلامی، استقلال و بی‌طرفی ساختارها و رویه‌های برقراری نظام قضایی، روح قانون‌گذاری کیفری، حقوقی و غیره است.

هرچند مخالفان رسمیت مذهب تشیع در نظام جمهوری اسلامی ایران دلایل متعدد و مختلفی مطرح کردند^۳ به رسمیت شناخته شدن مذهب شیعه در قانون اساسی دلایل قانع‌کننده و متقنی داشت که می‌توان مختصراً به بعضی از آنها اشاره کرد:

۱. ضرورت محوریت‌بخشی به یک مذهب در قانون‌گذاری و اداره مملکت؛
۲. رسمیت مذهب تشیع، تضمین‌کننده بقای انقلاب و استقلال نظام است؛
۳. رسمیت مذهب تشیع تقویت‌کننده و تحکیم‌کننده فرآیند دموکراسی‌سازی نظام است؛
۴. رسمیت مذهب شیعه ضامن تأمین حقوق اقلیت‌ها است.

از میان دلایل مطرح‌شده، به نظر می‌رسد «ضمانت تأمین حقوق اقلیت‌ها»، منطقی‌تر و دموکراتیک‌تر است، چراکه قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران دین و مذهب اقلیت‌ها را معتبر شمرده، و جواز التزام به آن را تضمین کرده است. حال آنکه اگر هیچ دین و مذهبی رسمیت نداشت و قوانین و مقررات کشور تابع اکثریت آرا بود، با توجه به اکثریت جمعیت ایران، طبعاً مسئولان و دولت‌مردان از شیعیان می‌بودند و قوانین هم بر اساس این مذهب تدوین می‌شد؛ در آن صورت، همگان با هر دین و مذهبی بدان موظف بودند و از آزادی قوانین و مقررات دین و مذهبشان خبری نبود. همان‌طور که در کشورهای اسلامی دیگر، مثل ترکیه، تا کنون مذهب تشیع (اعم از جعفری و علوی) طبق قانون اساسی به رسمیت شناخته نشده و حقوق پیروان این مذاهب نادیده گرفته می‌شود، حال آنکه طبق آمار غیررسمی حداقل ۲۰ درصد جامعه ترکیه را شیعیان و علویان تشکیل می‌دهند.

بنابراین، این دلیل مخالفان که رسمیت یافتن تشیع در قانون اساسی عامل «تبعیض و تضییع حقوق اهل سنت» است، عقلاً و منطقاً صحیح به نظر نمی‌رسد. هرچند اجرای متن قانون اساسی می‌تواند با ضعف و قصور همراه باشد و به همین سبب شاهد تبعیض‌ها و تضییع‌ها در حقوق اقلیت مذهبی در نظام جمهوری اسلامی ایران باشیم، این موضوع با دلایل مرتبط با رسمیت یافتن مذهب تشیع ارتباطی ندارد. صرف معتبر شمردن دین و مذهب اقلیت‌ها و اعطای جواز التزام به

جایگاه تشیع در قانون اساسی از منظر روح‌الله خمینی و سید علی خامنه‌ای / ۱۲۵

آنها، اصلی مترقی محسوب می‌شود که نشان از تأکید رهبران و مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران بر اصل مهم «مردم‌سالاری دینی» و توجه به آن دارد. از این‌رو رهبر جمهوری اسلامی در خطبه‌های نماز جمعه تهران در تاریخ ۱۳۸۹/۱۱/۱۵ می‌گوید:

بنده دأبم نیست از قول این سیاست‌مدارها و معاریف غربی چیزی بگویم، اما این جمله جالبی است. او می‌گوید دو چیز است که اگر در میان مسلمان‌ها دست به دست بگردد و ملت‌های مختلف مسلمان از این دو چیز آگاه شوند، دیگر همه تابوهای غرب، یعنی اصول جزمی غرب، در هم خواهد شکست و باطل خواهد شد. این دو چیز چیست؟ این متفکر غربی می‌گوید: یکی قانون اساسی جمهوری اسلامی است که این قانون اساسی، یک حکومت مردمی و پیشرفته امروزی و در عین حال دینی را در چشم مسلمانان جهان ممکن می‌سازد. این قانون اساسی نشان می‌دهد که می‌توان یک حکومتی داشت که هم متجدد باشد، امروزی باشد، پیشرفته باشد و هم کاملاً دینی باشد. قانون اساسی این را تصویر می‌کند. می‌گوید چنین چیزی ممکن است (خامنه‌ای، ۱۳۸۹).

سید علی خامنه‌ای مردم‌سالاری دینی را مایه رشد و توسعه معنوی و مادی می‌داند که ارزش بسیار والایی است و برای دنیا و آخرت مردم از آن بهره‌برداری می‌شود. وی می‌گوید:

سابقه فقه سیاسی در شیعه، سابقه عریقی است؛ لیکن یک چیز جدید است و آن، نظام‌سازی بر اساس این فقه است؛ که این را امام بزرگوار ما انجام داد. قبل از ایشان کس دیگری از این ملتقطات فقهی در ابواب مختلف، یک نظام به وجود نیاورده بود. اول کسی که در مقام نظر و در مقام عمل، توأمأً، یک نظام ایجاد کرد، امام بزرگوار ما بود؛ که مردم‌سالاری دینی را مطرح کرد، مسئله ولایت فقیه را مطرح کرد. بر اساس این مبنا، نظام اسلامی بر سر پا شد. این، اولین تجربه هم هست. چنین تجربه‌ای را ما در تاریخ نداریم؛ نه در دوران صفویه داریم، نه در دوره‌های دیگر. اگرچه در دوران صفویه کسانی مثل «محقق کرکی»ها وارد میدان بودند، اما از این نظام اسلامی و نظام فقهی در آنجا خبری نیست؛ حداکثر این است که قضاوت به عهده یک مُلایی، آن هم در حد محقق کرکی با آن عظمت بوده است؛ ایشان می‌شود رئیس قضات، تا مثلاً قضات را معین کند؛ بیش از اینها نیست؛ نظام حکومت و نظام سیاسی جامعه بر مبنای فقه نیست. ایجاد نظام، کاری است که امام بزرگوار ما انجام داد (خامنه‌ای، ۱۳۹۰).

۲. شیعه در گفتمان روح‌الله خمینی

شیعه در گفتمان روح‌الله خمینی بیشتر در دو عرصه «عقیدتی» و «ظلم‌ستیزی» مطرح شده، و از این رهگذر، به دنبال استحکام عقیده و بسترسازی عزت شیعیان بوده است. در بیشتر دوران حیات ایشان، علی‌رغم ادعای دروغین حکومت پهلوی و تظاهر به شیعه‌گری، حکومت دینی مبتنی بر احکام و معارف اهل بیت (علیهم‌السلام) وجود نداشت؛ یک‌سوم پایانی عمر ایشان در مبارزه با رژیم ستم‌شاهی گذشت و در ده سال آخر آن، که جمهوری اسلامی ایران تأسیس شد، نیز گرفتاری‌های داخلی و جنگ تحمیلی، مانع از بروز ظرفیت‌های شیعی در عرصه بین‌الملل بود. اما بی‌شک رشد روزافزون کیفی و کمی شیعیان جهان که اکنون شاهد آنیم، به برکت نهضت روح‌الله خمینی، گفتمان صدور انقلاب و اقدامات جمهوری اسلامی ایجاد شد؛ و گرچه به دلایل مذکور، در سخنان ایشان اشاره یا رهنمود کلامی صریح در این باره وجود ندارد، گفتمانش را می‌توان به‌وضوح در مناطق شیعی یا شیعه‌شده، مانند عراق، لبنان، بحرین، یمن و نیجریه، مشاهده کرد. در ادامه، به چند نمونه از سخنان روح‌الله خمینی اشاره می‌کنیم که در آنها به دنبال استحکام عقیده، مبارزه با ظلم و بسترسازی عزت شیعیان بوده است.

۲.۱. تشیع؛ همزاد اسلام

مذهب شیعه در طول تاریخ، از زمانی که اسلام وجود پیدا کرده است توأم با وجود اسلام، امام شیعه هم بوده است (خمینی، ۱۳۶۸ الف: ۱۱/۱۲۳-۱۲۴). ما مفتخریم که پیرو مذهبی هستیم که رسول خدا مؤسس آن به امر خداوند تعالی بوده، و امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب، این بنده رهاشده از تمام قیود، مأمور رهاکردن بشر از تمام اغلال و بردگی‌ها است (همان).

۲.۲. عزت و افتخار به مذهب تشیع

ما مفتخریم و ملت عزیز سر تا پا متعهد به اسلام و قرآن مفتخر است که پیرو مذهبی است که می‌خواهد حقایق قرآنی، که سراسر آن از وحدت بین مسلمین بلکه بشریت دم می‌زند، از مقبره‌ها و گورستان‌ها نجات داده و به عنوان بزرگ‌ترین نسخه نجات‌دهنده بشر از جمیع قیودی که بر پای و دست و قلب و عقل او پیچیده است و او را به سوی فنا و نیستی و بردگی و بندگی طاغوتیان می‌کشاند، نجات دهد.

جایگاه تشیع در قانون اساسی از منظر روح‌الله خمینی و سید علی خامنه‌ای / ۱۲۷

ما مفتخریم که کتاب نهج‌البلاغه که بعد از قرآن بزرگ‌ترین دستور زندگی مادی و معنوی و بالاترین کتاب رهایی‌بخش بشر است و دستورات معنوی و حکومتی آن بالاترین راه نجات است، از امام معصوم ما است.

ما مفتخریم که ائمه معصومین، از علی بن ابی‌طالب گرفته تا منجی بشر حضرت مهدی صاحب زمان (علیهم‌الآف‌التحیات والسلام) که به قدرت خداوند قادر، زنده و ناظر امور است، ائمه ما هستند.

ما مفتخریم که ادعیه حیات‌بخش که او را «قرآن صاعد» می‌خوانند از ائمه معصومین ما است. ما به «مناجات شعبانیه» امامان و «دعای عرفات» حسین بن علی (علیه‌السلام) و صحیفه سجادیه این زبور آل محمد و صحیفه فاطمیه که کتاب الهام‌شده از جانب خداوند تعالی به زهرای مرضیه است [و] از ما است [مفتخریم].

ما مفتخریم که «باقرالعلوم» بالاترین شخصیت تاریخ است و کسی جز خدای تعالی و رسول ﷺ و ائمه معصومین (علیهم‌السلام) مقام او را درک نکرده و نتوانند درک کرد، از ما است. و ما مفتخریم که مذهب ما «جعفری» است که فقه ما که دریای بی‌پایان است، یکی از آثار او است. و ما مفتخریم که همه ائمه معصومین (علیهم‌السلام) و متعهد به پیروی آنانیم (خمینی، ۱۳۶۸ ب: ۲۶).

۳. ۲. مشایعت با امیرالمؤمنین (علیه‌السلام)؛ شرط شیعه‌بودن

ما ادعا می‌کنیم شیعه هستیم؛ چه شیعه‌ای؟! خوب آن [مولا علی (علیه‌السلام)] زهد دارد، من که ندارم، باز شیعه‌ام؟! او تقوا دارد، ما نداریم، باز شیعه هستیم؟! او وضع زندگی‌اش چطور است، ما نداریم، باز هم شیعه هستیم؟! شیعه هستی، آخر شیعه باید یک مشایعتی از او کرده باشد، یک تبعیتی از او کرده باشد تا شیعه باشد (خمینی، ۱۳۶۸ الف: ۲/۱۴-۲۸).

۴. ۲. سیاسی‌بودن مذهب تشیع

مذهب شیعه یک مذهبی است که سیاسی‌اجتماعی است و در تمام دوره‌ها با ظالم‌های وقت، با حکومت‌های جابری که در اسلام بوده‌اند، مثل زمان اموی و عباسی و بعد از او با حکومت‌های دیگر مذهب شیعه و پیروان شیعه بودند که با اینها مخالف بودند. و مخالفشان روی اصل ظلمی بوده است که آنها حکومت را ظلماً به دست گرفتند و با

مردم رفتار جانرا نه می‌کردند و علمای شیعه و بزرگان شیعه با آنها مخالفت می‌کردند. و لهذا در طول تاریخ گرفتاری علمای شیعه و بزرگان شیعه به دست امثال اموی‌ها و امثال عباسی‌ها و بعد از آن هم دولت‌هایی که به وجود آمده است، گرفتاری‌های اینها زیاد بوده است (همان: ۱۲۳/۱۱-۱۳۴).

شیعه [مذهبی] است که در تمام امور مملکتی دخالت می‌خواهد بکند و یک طریقه‌ای است، یک مذهبی است که اسلامی است، و در همه ابعاد شئون کشور باید دخالت بکند، و می‌خواهد دخالت بکند (همان).

۲. ۵. ظلم‌ستیز بودن تشیع

[تشیع، مذهبی است که] می‌خواهد که دست ظالم‌ها را از ممالک اسلامی، بلکه از سر مستضعفین کوتاه کند. مذهب شیعه طرفدار مستضعفین است و طرفدار مظلومین است و خصم با ظالم‌ها و مستکبرین است. و هم عقاید شیعه این‌طور است و هم اعمالش این‌طور بوده است و هم بزرگان شیعه دائماً در این خط و صراط بودند. و این‌طور باقی خواهد ماند تا آخر که اسلام است (همان).

ما مفتخریم که ائمه معصومین ما، صلوات الله و سلامه علیهم، در راه تعالی دین اسلام و در راه پیاده‌کردن قرآن کریم که تشکیل حکومت عدل یکی از ابعاد آن است، در حبس و تبعید به سر برده و عاقبت در راه براندازی حکومت‌های جانرا نه و طاغوتیان زمان خود شهید شدند (خمینی، ۱۳۶۸ ب: ۴۷).

۲. ۶. روحانیت؛ حافظ تشیع

الآن که شما یک همچو فقه غنی‌ای می‌بینید که فقه شیعه غنی‌ترین فقهی است که در دنیا هست، غنی و قانونی که با زحمات‌های علمای شیعه توضیح و تفریع شده است، غنی‌ترین فقه است، غنی‌ترین قوانین است در دنیا... و در اسلام آن فقهی که غنی‌ترین فقه‌ها است، فقه شیعه است. همچو فقهی در دنیا نیست، نه در بین مسلمین هست، علی‌کثرتهم، و نه در غیر، بین غیر مسلمین. و این با زحمات طاقت‌فرسا از علمای شیعه درست شده است. از اول که زمان پیغمبر بوده است و دنبالش زمان ائمه، این علمای شیعه بودند که جمع می‌شدند دور ائمه (علیه السلام) و احکام را از آنها اخذ می‌کردند و در اصولی

جایگاه تشیع در قانون اساسی از منظر روح‌الله خمینی و سید علی خامنه‌ای / ۱۲۹

که چهارصد تا کتاب بوده است نوشته‌اند... تمام ابعادی که اسلام دارد و قرآن دارد، آن مقداری که در خور فهم بشر است، تمام اینها را این جماعت عمامه به سر، به قول این آقایان، عمامه به سر و ریش دار، اینها درست کرده‌اند. تا اینجا اسلام را اینها رسانده‌اند (خمینی، ۱۳۶۸ الف: ۲۳۴/۳-۲۵۲).

۳. گفتمان سید علی خامنه‌ای

۳.۱. قرابت شیعه با مسئله مهدویت

مسئله انتظار ظهور مهدی عج، یکی از مسائل پرمغز و پرمعنا و دارای مضامین عالی در مجموعه تفکرات شیعه است. همه مسلمانان مسئله مهدی عج را نقل کرده‌اند و به آن معتقدند؛ اینکه دست با اقتدار بازمانده خاندان نبی اکرم (ص) و باقی‌مانده اولیاءالله در زمین باید بشریت را از ظلم و جور نجات بدهد که بر آن حاکم است، محل اتفاق است؛ لیکن تفاوت شیعه با غیرشیعه در این است که دیگران می‌دانند که از کسی خاندان پیغمبر خواهد آمد، ولی او را نمی‌شناسند. اما شیعه او را می‌شناسد، او را به نامش، به نام پدرش، به نام مادرش، به تاریخ دقیق ولادتش، به اوامر و دستوراتش، و به نشانه‌های حضورش در میان جوامع بشری می‌شناسد و این امتیاز بزرگی است. دل‌های شیعه با آن مرکز ملکوتی و الهی در حال ارتباط و پیوند است. یقیناً مایه حرکت‌های بزرگ در جوامع اسلامی و در جوامع شیعی و مایه اصلی حرکت عظیم انقلاب اسلامی، همین عقیده و همین انتظار فرج است (حسینی عارف، ۱۳۹۵: ۱۸۹-۱۹۰).

۳.۲. غنای میراث شیعی

ما ثروت عظیمی از معارف را در مجموعه میراث شیعی داریم؛ مجموعه معارف عظیم اسلامی و مجموعه معارف عظیم بشری، آنچه که برای مسلمین لازم است و آنچه برای بشر، در میراث ارزشمند عریق شیعی موجود است (خامنه‌ای، ۱۳۷۲).

نگاه کنید به معارف اهل بیت علیهم‌السلام، به این روایات، به این دعاها، به این زیارات، به این دعای ندبه، به این زیارت عاشورا؛ ببینید سمات و خصوصیات شیعه اهل بیت علیهم‌السلام و مکتب اهل بیت علیهم‌السلام در چیست؟ این خصوصیات باید در تمام محافل شیعی و مجامع

شیعی و جوامع شیعی ترویج بشود. هیچ مذهب اسلامی دیگری این همه توسل به پروردگار و توجه به خدا و تضرع و الحاح و گریه و ایستادن در محراب دعا و عبادت ندارد. این یکی از خصوصیات شیعه است؛ شیعه باید این روحیه را ترویج کند بین خود؛ این مال تشیع است. این مال امام صادق (علیه السلام) و امام سجاد (علیه السلام) و اولاد و پدران بزرگوار اینها است؛ مال مکتب اهل بیت (علیهم السلام) است (حسینی عارف، ۱۳۹۵: ۱۹۴).

۳.۳. جهاد شیعه «حَقَّ جهاده» است.

جهاد یعنی تلاش در مقابله با دشمنان اسلام به هر وجهی که ممکن بشود؛ این جهاد ممکن است با کتاب باشد، یا با معرفت باشد و یا در مقابل دشمن اگر بود می‌شود جهاد. «حَقَّ جهاده» این است؛ ظلم‌ستیزی و جهاد خصوصیت شیعه است (همان: ۱۹۵).

۳.۴. احسان و رأفت به مسلمانان

احسان به مسلمین از خصوصیات دیگر شیعه است که آن هم در معارف اهل بیت (علیهم السلام) مکرر آمده است؛ شیعه بایستی نسبت به آحاد مسلمین، بلکه نسبت به آحاد انسان، دارای تحن و رأفت، رحمت، عطف و کمک و اعانت باشد. شیعه با هیچ انسانی خصومت و دشمنی ندارد؛ مگر آن انسانی که در جهت کفر و ناحق تلاش می‌کند. لذا رحمت به انسان‌ها و محبت به انسان‌ها و تعطف با آحاد بشر، به خصوص با مسلمین، از دیگر خصوصیات مهم شیعه است (همان: ۱۹۶).

۳.۵. همراهی و هماهنگی شیعیان

تشیع، آحاد شیعه باید هم تعامل، تعاطف و همکاری داشته باشند؛ شیعیان باید به آن حدی از تعامل و همکاری برسند که پاسخ آنها در برابر سؤال مهم «آیا به آن حد از برادری رسیده‌اید که در جیب برادرستان دست کنید؟» آری و مثبت باشد (خامنه‌ای، ۱۳۷۲).

۳.۶. علمای شیعه؛ مبلغ تشیع و مکتب اهل بیت (علیهم السلام)

با تکیه بر تعالیم اهل بیت (ع) می‌توان شعارهای اساسی امت اسلامی را در همه جای دنیا مطرح کرد و آنها را مطمح نظر افکار عمومی قرار داد، که در این زمینه علما،

جایگاه تشیع در قانون اساسی از منظر روح‌الله خمینی و سید علی خامنه‌ای / ۱۳۱

روشنفکران، متعهدان، فعالان و نخبگان سیاسی نقش‌های بزرگی می‌توانند ایفا کنند. امروز دنیای اسلام به پیام اهل بیت نیازمند است؛ مکتب اهل بیت حقایقی دارد، مطالبی دارد که امروز دنیای اسلام به آنها نیازمند است (خامنه‌ای، ۱۳۸۲).
در محیط شیعی، بر اساس همان اخلاص و احساس مسئولیت، انصافاً خیلی کار شده است؛ در طول تاریخ، علمایی از قبیل «قاضی نورالله»‌ها و دیگران؛ و نشستند و با مظلومیت کتاب‌هایی نوشتند؛ خدای متعال هم به خاطر همان مظلومیت، برکت داده و منتشر شده است (خامنه‌ای، ۱۳۷۰).

۳.۷. همراهی شیعه با وحدت جهان اسلام

ما به عنوان عائله تشیع باید با همه وجود احساس، و اعلام کنیم که معتقد به وحدت جهان اسلام و وحدت پیروان «لا اله الا الله» و «محمد رسول الله» هستیم؛ ما امروز در دنیا باید مایه وحدت بشویم، همچنان که همه ائمه بزرگوار ما همیشه عامل جمع و وحدت بودند. شیعه اگر در سرتاسر دنیا تعارف (شناخت یکدیگر) می‌کند و افراد خود را شناسایی می‌کند و افراد شیعه دست‌آشنایی به یکدیگر می‌دهند، این به معنای رد و نفی فرقه‌های دیگر اسلامی نیست. این منافاتی با وحدت بین فرق مسلمین به هیچ وجه ندارد؛ این کمک به آن وحدت است. ما اگر می‌خواهیم که شیعه مجتمع باشد، بدین معنا نیست که بین شیعه و سنی اختلافی به وجود بیاید؛ به عکس، ما می‌خواهیم که این وحدت و هماهنگی در بین پیروان مذهب اهل بیت (علیهم‌السلام)، مقدمه‌ای باشد برای وحدت کل جهان اسلام، برای ایجاد تفاهم بین همه ابناء اسلام و پیروان قرآن. اینکه ما گفته‌ایم که فرق اسلامی باید با هم برادر باشند، اینکه شعار داده‌ایم که شیعه و سنی با هم برادرند، این یک شعار تاکتیکی نیست؛ این یک شعار مصلحتی زودگذر نیست؛ این یک فکر است، این یک مشی عملی است، این عمل به تعالیم قرآن و اهل بیت (علیهم‌السلام) است (حسینی عارف، ۱۳۹۵: ۱۷۳-۱۷۵).

مؤلفه‌های کانونی در سخنان رهبر جمهوری اسلامی درباره وحدت شیعه و سنی عبارت‌اند از:

۱. اتحاد در دنیای اسلام، درس قرآن؛
۲. توصیه به اتحاد با توجه به آیه «لِيُظْهَرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ»؛
۳. علنی کردن اختلاف‌های اعتقادی مصداق «بَدَلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا»؛

۴. صریح کردن مخالفت‌های اعتقادی؛
۵. به زبان آوردن مطالبی که کینه‌ها را برمی‌افروزد، مثل بدگویی کردن و دشنام‌دادن؛
۶. «اِشْدَاءَ عَلَى الْكُفَّارِ وَرُحَمَاءَ بَيْنَهُمْ»، خط مسلم جمهوری اسلامی؛
۷. توصیه به «اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا»؛
۸. اختلاف شیعه و سنی مصداق «الاجدال فی الحج»؛
۹. دعوت به وحدت بر اساس آیه «عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ»؛
۱۰. لزوم اتحاد و حل امور مسلمانان بر اساس حدیث «من أصبح ولم يهتم بأمر المسلمین فلیس بمسلم»؛
۱۱. پرهیز از آتش تفرقه، بر اساس آیه «واذکروا نعمت اللّٰه علیکم اذ کنتم اعداء فآلف بین قلوبکم فأصبحتم بنعمته إخواناً»؛
۱۱. توصیه آیه «کنتم علی شفا حفرة من النار فانقذکم منها» به پرهیز از تفرقه؛
۱۲. «لا تفرقوا»، ندای اتحاد اسلامی (جلوداریان، ۱۳۹۵).

نتیجه

جهان تشیع متشکل از جمعیت چندصد میلیونی است که در کشورهای مختلف و عمدتاً به شکل اقلیت زندگی می‌کنند. آنچه این جمعیت عظیم را علی‌رغم اختلافات نژادی، قومی و زبانی به یکدیگر پیوند می‌دهد، آیین اسلام، به‌ویژه مذهب تشیع، است. در واقع، عنصر اصلی هویت‌یابی این جمعیت بر اساس اعتقاد به حقانیت اهل بیت (علیهم‌السلام) و به تبعش رویکرد فقهی خاص مبتنی بر پیروی از مرجعیت دینی است که آنها را از سایر جامعه اسلامی متمایز می‌کند. در کشور ایران هم علی‌رغم اختلافات نژادی، قومی و زبانی عنصر اصلی هویت‌بخشی به جامعه «آیین اسلام و به‌ویژه مذهب تشیع» است که در قانون اساسی به رسمیت شناخته شده است. هرچند در اوایل به رسمیت‌شناختن این عنصر هویت‌بخش و وحدت‌آفرین با دلایل متضاد و مختلف برخی از شخصیت‌های دینی و سیاسی مواجهه شد، اما دلایل موافقان و تأییدکنندگان، مشروعیت و مقبولیت داشت و اکثریت آن را تأیید کردند. گذر زمان و پایداری نظام جمهوری اسلامی ایران نشان داد که مذهب تشیع یکی از عنصرهای بنیادین و حیاتی در حفظ و امنیت نظام و وحدت کشور بوده است. به‌ویژه در سال‌های اخیر با تشدید اختلافات مذهبی و فرقه‌ای در کشورهای جهان اسلام و ظهور گروه‌ها و جریان‌های دینی مذهبی افراط‌گرا و تفرقه‌افکن، نقش و اهمیت

مذهب تشیع در حفظ و تقویت وحدت و امنیت کشور بیش از پیش نمایان شد.

چون فقه شیعه غنی‌ترین فقه است و غنی‌ترین قانونی است که با تلاش علمای شیعه توضیح داده شده، و تفریع شده است، لذا قابلیت و ظرفیت کاربست در همه موضوعات و مسائل جدید را دارد، موضوعی که همواره مراجع و رهبران دینی و سیاسی از جمله روح‌الله خمینی بر آن تأکید داشتند. نکته مهم دیگر اینکه مراجع و رهبران دینی و سیاسی ما تشیع و وحدت فرق شیعی را مقدمه‌ای برای وحدت جهان اسلام می‌دانند.

به طور خلاصه، با بررسی جایگاه تشیع در قانون اساسی و دیدگاه رهبران دینی و سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران، می‌توان به این جمع‌بندی رسید که اولاً، با تصویب تشیع در قانون اساسی نتایج قانون‌گذارانه، سیاسی و امنیتی مهمی حاصل شد، از جمله «وحدت‌نظر در قانون‌گذاری و اداره مملکت»، «تضمین بقای انقلاب و استقلال نظام»، «تأمین حقوق اقلیت‌ها»، «تقویت و تحکیم فرآیند دموکراسی‌سازی نظیر حفظ و تقویت سازوکارهای مشارکت سیاسی»، «حفظ امنیت داخلی کشور»؛ ثانیاً با تصویب تشیع در قانون اساسی و تأکید رهبران دینی و سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران بر وحدت جهان تشیع، در مرحله نخست زمینه‌های وحدت و همگرایی گروه‌ها و فرق مختلف مذهب تشیع در سراسر نقاط جهان فراهم شده است و امروز شاهدیم که شیعیان در کل جهان نظام جمهوری اسلامی ایران را به مثابه «أم القرای جهان تشیع و اسلام» می‌دانند و بر اهمیت و جایگاه رهبری آن تأکید دارند. در مرحله دوم با تأکید مکرر و پایدار رهبران دینی و سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران بر وحدت جهان اسلام و فرق مختلفش، به‌ویژه وحدت شیعه و سنی، با فراهم شدن زمینه‌های وحدت نسبی در جهان اسلام، جلوی سیاست‌های تفرقه‌آمیز و دشمنانه بسیاری گرفته شد. دشمنان نظام جمهوری اسلامی ایران و اساساً جهان اسلام، همواره کوشیده‌اند با برساخت و معرفی گونه‌های مختلف جریان‌های دینی نظیر اسلام آمریکایی، شیعه انگلیسی، اسلام رحمانی و ... تفرقه‌افکنی کنند و کشورهای اسلامی را علیه هم بشورانند. مثلاً بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، نظام بین‌الملل برای مقابله با آرمان‌ها و اهداف وحدت‌آفرین و آزادی‌خواهانه نظام جمهوری اسلامی ایران، دو جریان تحت عناوین «اسلام مدرن» و «اسلام سنتی» در دو کشور منطقه، یعنی ترکیه و عربستان سعودی ایجاد کردند و کوشیدند از الگوشدن نظام جمهوری اسلامی ایران جلوگیری کنند، سیاستی که همچنان در حال تداوم و اجرایی شدن است.

۱. اصل دوازدهم مصوبه نهایی مجلس بررسی نهایی قانون اساسی (مصوب ۱۳۵۸): «دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنا عشری است و این اصل الی‌الابد غیر قابل تغییر است و مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی دارای احترام کامل می‌باشند و پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی، طبق فقه خودشان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) و دعاوی مربوط به آن در دادگاه‌ها رسمیت دارند و در هر منطقه‌ای که پیروان هر یک از این مذاهب اکثریت داشته باشند، مقررات محلی در حدود اختیارات شوراهای بر طبق آن مذهب خواهد بود، با حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب».
۲. به اعتقاد فیشر، برای شناخت تشیع باید سه گونه اطلاعات داشت: ۱. اطلاعات تاریخی که خود وی آنها را در قالب مفهوم «پارادایم کربلا» خلاصه می‌کند؛ ۲. اطلاعات درباره استقرار دولت شیعی در زمان صفویه؛ ۳. اطلاعاتی درباره چگونگی شکل‌گیری و دفاع از هسته فقهی، الاهیاتی و اسطوره‌شناختی شیعه (مهرآیین و فاضلی، ۱۳۸۶).
۳. برخی از دلایل مخالفان رسمیت‌یافتن تشیع در قانون اساسی چنین است: ۱. عامل تفرقه و اختلاف مذهبی است؛ ۲. اسلام دین خدایی است و شیعه و سنی، مذاهب ساختگی است؛ ۳. مردم به «جمهوری اسلامی» رأی دادند، نه «جمهوری شیعی»؛ ۴. «جمهوری اسلامی»، الگوی ملت‌های مسلمان است، نه «جمهوری شیعی»؛ ۴. رسمیت مذهب شیعه، تبعیض و تزییع حقوق اهل سنت است (ورعی، ۱۳۹۳).

منابع

تقی‌زاده، احمد (۱۳۹۴). «سلسله جلسات بازخوانی مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی سال ۱۳۵۸؛ بررسی اصل دوازدهم/ موضوع جلسه هجدهم مشروح مذاکرات»، تهران: پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۴/۴/۱۵.

جلوداریان، امید (۱۳۹۵). «منظومه فکری رهبر معظم انقلاب درباره وحدت شیعه و سنی»، در: <https://b2n.ir/a11911>

حسینی عارف، سید علی‌رضا (۱۳۹۵). ترجمان معرفت، قم: مجمع جهانی اهل بیت (علیهم‌السلام).
حضرتی، حسن (۱۳۸۳). مأخذشناسی توصیفی تاریخ تشیع امامیه در ایران، تهران: پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی.

حقیقت، سید صادق (۱۳۷۷). علل و عوامل انقلاب اسلامی، قم: طه.
حکیمی، محمدرضا (۱۳۵۷). تفسیر آفتاب: نگرشی به رسالت اسلام و حماسه انسان در رهبری امام خمینی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۰). «دیدار با اعضای شورای عالی مجمع جهانی اهل بیت (علیهم‌السلام) در تاریخ ۱۳۷۰/۷/۴»، در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۴۹۶>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۲). «دیدار با میهمانان کنفرانس جهانی اهل بیت (علیهم‌السلام) در تاریخ ۱۳۷۲/۱۱/۸»، در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۴۵۳۰۶>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۲). «دیدار با اعضای مجمع جهانی اهل بیت (علیهم‌السلام)»، در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۳۹۷>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۹). خطبه‌های نماز جمعه تهران، در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۱۰۹۵۵>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۰). «بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری»، در: farsi.khamenei.ir/speech-content?id=17226

خمینی، روح‌الله (۱۳۶۸ الف). صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۲، ۳ و ۱۱.
خمینی، روح‌الله (۱۳۶۸ ب). وصیت‌نامه الهی سیاسی، یاد، ش ۱۵.

فتحی، محمد؛ کوهی اصفهانی، کاظم (تهیه و تنظیم) (۱۳۹۹). قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به همراه نظرات تفسیری شورای نگهبان، تهران: پژوهشکده شورای نگهبان.

مهرآیین، مصطفی؛ فاضلی، محمد (۱۳۸۶). «فرهنگ و انقلاب: دیدگاه‌های مایکل فیشر درباره انقلاب اسلامی ایران»، در: متین، ش ۳۵ و ۳۵، ص ۱۷۴-۱۵۱.

ورعی، سید جواد (۱۳۹۳). «رسمیت مذهب تشیع در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، در: شیعه‌شناسی، دوره ۱۲، ش ۴ (۴۸)، ص ۷۴-۳۷.

هاشمی، سید محمد (۱۳۸۳). «قانون اساسی و حاکمیت مردم»، در: حقوق اسلامی، س ۲، ش ۳، ص ۳۲۵-۳۳۳.

References

- Fathi, Mohammad; Kuhl Isfahani, Kazem (Prepared). 2021. *Ghanun Asasi Jomhuri Islami Iran be Hamrah Nazarat Tafsiri Shoray Negahban (The Constitution of the Islamic Republic of Iran along with the Interpretive Opinions of the Guardian Council)*, Tehran: Guardian Council Research Institute. [in Farsi]
- Haghighat, Seyyed Sadegh. 1998. *Elal wa Awamel Enghelab Islami (Causes and Factors of the Islamic Revolution)*, Qom: Taha. [in Farsi]
- Hakimi, Mohammad Reza. 1978. *Tafsir Aftab: Negareshi be Resalat Islam wa Hamaseh Ensan dar Rahbari Imam Khomeini (Interpretation of Sun: An Attitude Towards the Mission of Islam and the Human Epic under the Leadership of Imam Khomeini)*, Tehran: Islamic Culture Publishing Office. [in Farsi]
- Hashemi, Seyyed Mohammad. 2005. "Ghanun Asasi wa Hakemiyat Mardom (Constitution and Sovereignty of the People)", in: *Islamic Law*, yr. 2, no. 3, pp. 325-333. [in Farsi]
- Hazrati, Hasan. 2004. *Makhazshenasi Tosifi Tarikh Tashayyo Imamiyeh dar Iran (Descriptive Bibliography of the History of Imami Shiism in Iran)*, Tehran: Research Institute of Imam Khomeini and Islamic Revolution. [in Farsi]
- Hoseyni Aref, Seyyed Ali Reza. 2016. *Tarjoman Marefat (Translation of Knowledge)*, Qom: World Assembly of Ahl al-Bayt (AS). [in Farsi]
- Jelodariyan, Omid. 2016. "Manzume Fekri Rahbar Enghelab darbarez Wahdat Shiah wa Sunni (The Intellectual System of the Supreme Leader of the Revolution about the Unity of Shiites and Sunnis)", in: <https://b2n.ir/a11911>
- Khamenei, Seyyed Ali. 1991. "Didar ba Azay Shoray Ali Majma Jahani Ahl Bayt (AS) dar Tarikh 1370/07/04 (Meeting with Members of the Supreme Council of the World Assembly of the Ahl al-Bayt (AS) in 9/26/1991)", in: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2496>
- Khamenei, Seyyed Ali. 1993. "Didar ba Mihmanan Konferans Jahani Ahl Bayt (AS) dar Tarikh 1372/11/08 (Meeting with the Guests of the World Conference of the Ahl al-Bayt (AS) in 1/28/1994)", in: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=45306>
- Khamenei, Seyyed Ali. 2004. "Didar ba Azay Majma Jahani Ahl Bayt (AS) (Meeting with Members of the World Assembly of the Ahl al-Bayt (AS))", in:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3397>

Khamenei, Seyyed Ali. 2011. Khotbeh-hay Namaz Jomeh Tehran (Tehran Friday Prayer Sermons), in: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=10955>

Khamenei, Seyyed Ali. 2012. "Bayanat dar Didar Azay Majles Khobregan Rahbari (Statements in the Meeting of Members of the Assembly of Leadership Experts)", in: farsi.khamenei.ir/speech-content?id=17226

Khomeini, Ruhollah. 1990 a. *Sahifeh Imam (Treatise of Imam)*, Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works, vol. 2, 3 and 11. [in Farsi]

Khomeini, Ruhollah. 1990 b. *Wasiyat Nameh Elahi Siyasi (Political and Divine Will)*, Memoir, no. 15. [in Farsi]

Mehr Ayin, Mostafa; Faeli, Mohammad. 2008. "Farhang wa Enghelab: Didgah-hay Michael Fischer darbareh Enghelab Islami Iran (Culture and Revolution: Michael Fischer's Views on the Islamic Revolution in Iran)", in: *Matin*, no. 35, pp. 151-174. [in Farsi]

Taghizadeh, Ahmad. 2015. "Selseleh Jalsat Bazkhani Mashruh Mozakerat Majles Barresi Nahayi Ghanun Asasi Sal 1358; Barresi Asl Dawazdahom/ Mozu Jalaseh Hejdahom Mashruh Mozakerat (A Series of Meetings on Re-reading the Details of the Parliamentary Deliberations on the Final Review of the 1979 Constitution; Review of the Twelfth Principle / Subject of the Eighteenth Session of the Details of Deliberations)", Tehran: Guardian Council Research Institute, 7/6/2015.

Warai, Seyyed Jawad. 2015. "Rasmiyat Mazhab Tashayyo dar Ghanun Asasi Jomhuri Islami Iran (Recognition of Shiism in the Constitution of the Islamic Republic of Iran)", in: *Shia Studies*, yr. 12, no. 48, pp. 37-74. [in Farsi]